

ارزیابی و تحلیل روند تغییرات جمعیت مناطق روستایی شهرستان نیمروز (طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۰)

غلامعلی خمر^{۱*}، محمد پیرانی^۲، احمد اعتباری^۳

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

DOI: 10.22034/mpsh.2024.218767

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

چکیده

جامعه روستایی ایران که تا چند دهه‌ی پیش عمده‌ی جمعیت کشور را در خود نگاه داشته بود، اکنون دچار دگرگونی‌هایی شده و از وضعیت و جایگاه پیشین خود فاصله‌ی بسیاری گرفته است. نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی منظم و فقدان برنامه‌هایی مدون برای مکان‌گزینی مراکز بهینه در عرصه فضاهای روستایی و کمبود منابع مالی روستاها و سرانجام پراکندگی ناهمگون و نسبتاً زیاد سکونتگاه‌های روستایی در بهینه جغرافیایی ایران روند توسعه را در مناطق روستایی با موانع ساختاری مواجه کرده است. هدف این پژوهش ارزیابی و تحلیل روند تغییرات جمعیت مناطق روستایی شهرستان نیمروز طی یک دوره آمار سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۰ می‌باشد و این پژوهش بر پایه ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و جامعه آماری این پژوهش روستاهای شهرستان نیمروز می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌های تحلیل رتبه-اندازه و تعدیلی، درجه آنتروپی و ضریب کشش‌پذیری جمعیت استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار آنتروپی محاسبه شده برای شهرستان نیمروز به ترتیب به ۰/۴۲۸، ۰/۴۲۰، ۰/۹۲۷، ۰/۵۱۵، ۰/۴۶۵ در طی پنج دور سرشماری تغییر پیدا کرده است. می‌توان نتیجه گرفت که جمعیت مناطق روستایی شهرستان تأثیری در توسعه و توزیع جمعیت شهرستان نداشته است. چنان‌که این ضریب در شهرستان نیمروز کاهش یافته و بیانگری عدم تعادل در توزیع جمعیت می‌باشد.

واژگان کلیدی: جمعیت، مناطق روستایی، مهاجرت، تغییرات، نیمروز.

Ah.khammar@uoz.ac.ir

* نویسنده مسئول: غلامعلی خمر

مقدمه

توجه به توسعه سکونتگاه‌های روستایی از ضرورت‌های محوری و انکارناپذیر توسعه منطقه‌ای و ملی در هر کشوری به شمار می‌رود؛ زیرا بین توسعه روستایی و شهری یک پیوستگی اساسی برقرار است که بدون داشتن نگاه ویژه به این پیوستگی توسعه منطقه‌ای و ملی موفقیت‌آمیز نخواهد بود. توسعه سکونتگاه‌های روستایی فرآیندی پویا و همیشگی است که در آن علاوه بر جنبه‌های اقتصادی (درآمد، تولید، مصرف اشتغال و...) بر جنبه‌های غیراقتصادی آن تأکید فراوان شده است (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸). جمعیت یکی از عناصر مهم در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود و پدیده‌ای است که همواره در حال تغییر و دگرگونی است و این تغییرات به دو صورت تحرک مکانی و زمانی تغییر می‌شود و همیشگی خواهد داشت (احمدی و توکلی، ۱۳۹۴: ۴۲). بعد از جنگ دوم جهانی، بسیاری از شهرهای صنعتی توانستند میزان مولد خود را با کم‌وبیش اختلاف به سطح مولد روستاها برسانند و بدین سان در حرکت جمعیتی شهر و روستا تعادل نسبی ظاهر شد (خمر، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

جامعه روستایی ایران که تا دهه‌های اخیر بیشترین جمعیت کشور را در خود داشته است با تأثیر گرفتن از سیاست‌های نوسازی کشور، اصلاحات ارضی، اقدامات توسعه‌ای دولت دچار دگرگونی‌های اساسی شده و قطبی شدن امکانات توسعه‌ای و جمعیت یکی از پیامدهای بوده است (اصلانی و امینی، ۱۴۰۱: ۴۰). جمعیت روستایی با اندازه‌های جمعیتی مختلف در مجموعه‌ای از نقاط در ناحیه استقرار یافته است. بررسی اندازه و یا وزن جمعیت مجموعه نقاط و روند تغییر در اندازه جمعیتی سکونتگاه‌ها، نکته مهمی در درک الگوی توزیع جمعیت و دگرگونی آن می‌باشد (احمدی و توکلی، ۱۳۹۴: ۴۲).

طی دهه‌های اخیر به دنبال عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و فضایی خصوصاً بین شهر و روستا، نواحی روستایی تبدیل به فضای سکونتی کم‌توان گردید، نتیجه، طبیعی این امر شکل‌گیری جابه‌جایی‌های جمعیتی شده است (بابایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۰). بهم خوردن تعادل ساختار درونی جمعیت که نتیجه تحولات دینامیکی مهاجرت، رشد طبیعی جمعیت و غیره است که ساختار درونی جمعیت روستایی را بهم زده و مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای روستاها به وجود آورده است (میری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۳). با توجه به اینکه مناطق روستایی با چالش‌های متعددی از قبیل فقر، بیکاری، تخریب محیط‌زیست، تداوم نابرابری‌ها و منابع تولیدی میان نواحی شهر و روستایی رنج می‌برند که این امر بیانگر عدم موفقیت راهبردهای گذشته توسعه روستایی است (حداد و صادقی، ۱۳۹۹: ۸۴). تشدید دامنه این مهاجرت‌ها در دو بعد، یکی گسترش آن‌ها از مهاجرت‌های فردی به مهاجرت‌های خانوادگی و دیگری گسترش آن‌ها در سنین جوانی و میان‌سالی علاوه بر کاستن شدید از حجم جمعیت، ساختار اجتماعی جمعیت‌های روستایی را از طریق کاستن و از بین بردن نرخ باروری و ساختار و بنیان اقتصادی این جوامع را از طریق کاستن و از بین بردن نرخ بازدهی و بهره‌وری دچار ضعف و وضعیتی واپس‌گرا می‌نماید (امینی و برومند، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

روستاییان برای تأمین ساده‌ترین نیاز خود ملزم به جابجایی هستند این جابجایی‌های الزامی در نهایت موجب انباشت سرمایه در شهرها می‌گردد و از طرف دیگر فقدان سرمایه، کمبود تسهیلات و وابستگی سنتی در عرصه روستایی مانع پدیدار شدن اقتصادی مستقل و پررونق شده و نهایتاً منجر به عدم تمرکز ثروت و کالاها در روستاها می‌شود که خود موجبات مهاجرت را فراهم می‌آورد (خالقی، ۱۳۹۹: ۱۹). تداوم مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان را می‌توان شاخصی از فقدان نگرش ناحیه‌ای در فضا یابی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی توسعه کشور قلمداد کرد. اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در مکان‌گزینی این فعالیت‌ها از یک‌سو عامل تمرکز خدمات و تسهیلات رفاهی - معیشتی مختلف در شهرها شده و از سوی دیگر محرومیت و فقر مناطق روستایی را به دنبال داشته است. تداوم این روند نابرابر سبب شکاف و دوگانگی چشمگیر بین شهر و روستا شده و آن‌ها را به قطب‌های جاذب و دافع جمعیتی تبدیل کرده است (رستمعلی زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۶). با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار روستا و در نتیجه تولید روستایی کاهش می‌یابد و همین امر باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌گردد بدین ترتیب روستا از تحول اساسی باز می‌ماند زیرا محیط روستایی تخلیه می‌شود و مهاجرت‌های شدید روستایی تعادل فضایی بین نواحی روستایی و شهری را برهم می‌زند و شهرگرایی و گسترش بی‌رویه شهرها نیز نمود بارز این فرایند است (رستمعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۰۷).

سرشماری عمومی نفوس و مسکن جمهوری اسلامی ایران بزرگ‌ترین سرشماری است که در ایران انجام می‌گیرد. این سرشماری در ابتدا هر ۱۰ سال یک‌بار با هدف تعیین مشخصات جمعیتی کشور ایران توسط مرکز آمار ایران انجام می‌گرفت اما از سال ۱۳۸۵ به بعد مقرر شد این سرشماری هر ۵ سال یک‌بار انجام گیرد ولی به دلیل مشکلات اقتصادی هیئت دولت از انجام سرشماری ۱۴۰۰ صرف‌نظر کرد و سرشماری بعدی را به سال ۱۴۰۵ موکول کرد. از سوی دیگر در روستاهای شهرستان نمرور خشکسالی‌های اخیر و مشکلات اقتصادی و معیشتی و اثرات آن بر اقتصاد روستاها، تغییر تحولات جمعیتی زیادی در آن‌ها رخ داده است. لذا برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه سکونتگاه‌های روستایی شهرستان نمرور، ارزیابی و شناخت ساختار جمعیت سکونتگاه‌های روستایی این شهرستان ضروری است تا بتوان با شناخت همه‌جانبه، برنامه‌ریزی بهینه‌ای در جهت توسعه نواحی

روستایی آن ارائه کرد. با توجه به موارد بالا، وضعیت کنونی روستاهای شهرستان نیمروز و هدف پژوهش حاضر مبنی ارزیابی و تحلیل روند بر تغییرات جمعیتی طی ۴ سرشماری عمومی نفوس و مسکن و یک دوره آمار سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بوده و درصدد پاسخ به این سؤال اساسی می‌باشد که روند تغییرات جمعیتی در روستاهای شهرستان نیمروز چگونه است؟

پیشینه پژوهش

رجایی و منصوریان (۱۳۹۹) در پژوهش تحلیلی فضایی تحولات جمعیتی سکونتگاهی روستایی در مناطق مرزی ایران به این نتیجه رسیدند که با تحلیل واحدهای فضایی و تغییرات جمعیتی آن‌ها در طی یک دوره ۲۰ ساله، مرز شرقی نسبت به مرز غربی کشور هنوز در حال رشد جمعیت روستایی است؛ مرز شرقی در مقایسه با مرز غربی به دلیل تراکم کمتر جمعیت و فاصله بیشتر سکونتگاه‌ها، روستاهای پیرامون-شهری و واقع شده در واحدهای پایه فضایی با جمعیت شهری، کمتر دچار تبدیل و خصوصاً ادغام در پیکره شهرهای موجود شده‌اند.

رضوانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش تحلیلی عوامل مؤثر بر ناپایداری جمعیت سکونتگاه‌های روستایی استان کردستان به این نتیجه رسیدند که به لحاظ جمعیتی، وضعیت ۵۶ دهستان ناپایدار، ۲۳ دهستان نسبتاً ناپایدار و شش دهستان پایدار است. میری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش ارزیابی و تحلیل ساختار جمعیت سکونتگاه‌های روستایی استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسیدند که نتایج حاصل از همبستگی موران نشان می‌دهند که مقدار همبستگی فضایی در همه موارد در سطح اطمینان ۹۵ معنادار و مثبت می‌باشد و از نظر الگوی فضایی، تفاوت‌های معناداری در آن‌ها وجود دارد، همچنین همواره اختلاف زیادی بین مناطق مختلف استان از نظر توزیع معیارهای مشخص شده وجود دارد.

زنگنه و بروغنی (۱۴۰۰) در پژوهش تحلیلی رابطه بین پدیده گردوغبار و تغییرات جمعیت روستایی در منطقه سیستان به این نتیجه رسیدند که پتانسیل نگهداشت جمعیت در روستاهای منطقه سیستان بیش از هر چیز به شرایط طبیعی به‌ویژه خشکسالی‌های پی‌درپی در منطقه دارد که یکی از پیامدهای زاینبار آن طوفان‌های ماسه‌ای و گردوغبار معلق در هوا است.

اصلائی و امینی (۱۴۰۱) در پژوهش تحلیلی دگرگونی‌های ساختاری جمعیت روستایی در استان اصفهان از ۱۳۸۵ تا به این نتیجه رسیدند که تغییرات ساختاری جمعیت روستایی در مناطق دشتی و بیابانی همسویی بیشتری داشته است؛ به‌گونه‌ای که از طریق تغییرات نسبت بستگی تضعیف و از طریق توازن در تغییرات نسبت جنسی تقویت شده است. در مقابل تغییرات منفی میزان اشتغال و وضعیت مناسب‌تر در رابطه‌ی جمعیت جوان در ترکیب سنی سبب تضعیف و تقویت بیشتر در تحولات ساختاری جمعیت روستایی مناطق کوهستانی بوده‌اند.

حسینی و جعفری زاده (۱۴۰۲) در پژوهش بررسی اثرات طوفان‌های گردوغباری حاصله از سرعت باد در مهاجرت جمعیت روستایی منطقه سیستان تا به این نتیجه رسیدند که ۸۵٪ کاهش جمعیت روستایی مربوط به سرعت باد و نتایج حاصله از آن بوده است. مقادیر پیش‌بینی شده جمعیت روستایی نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸ این میزان به ۵۵/۳۹٪، در سال ۱۳۹۹ به ۵۴/۸۸٪ و در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب به ۵۴/۳۲٪ و ۵۳/۲۲٪ می‌رسد که در طی سال‌های پیش‌بینی شده یعنی از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۱، ۹۶٪ علت مهاجرت روستایی مربوط به سرعت باد و اثرات مخرب آن در این منطقه است و ۴٪ آن مربوط سایر فاکتورهای مهاجرتی است.

زو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ی تجزیه و تحلیل جفت استاتیک را با یک مدل جداسازی پویا برای تجزیه و تحلیل روابط بین جمعیت روستایی و سکونتگاه‌ها از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ در استان جیانگ سو، چین ترکیب کردند. اگرچه درجه جفت استاتیک در استان جیانگ سو نسبتاً بالا بود، تجزیه و تحلیل جداسازی نشان داد که رابطه انسان و زمین روستایی در اکثر

¹ Zhu

شهرستان‌ها ناهماهنگ بود. اگرچه اکثر شهرستان‌ها دارای مدرک جفت‌شوندگی در سطح بالا بودند، تغییر ناهماهنگی در جمعیت روستایی و سکونتگاه‌های روستایی در این شهرستان‌ها مشاهده شد.

آیودا^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که دسترسی به خدمات عمومی نقش اساسی داشته است، به‌ویژه زمانی که ایجاد دولت رفاه باعث شد تا جمعیت روستایی احساس کنند که برای اقامت در شهرک‌هایی که دسترسی به آن‌ها مشکل دارند مجازاتی وجود دارد. شهرک‌های اصلی، مقر مدیریت شهرداری، نسبت به سکونتگاه‌های فرعی برتری داشته‌اند. در نهایت، جمعیت پراکنده بیشترین آسیب را دیدند و بنابراین، به میزان بیشتری مهاجرت کردند تا اینکه این شکل از سکونت عملاً از بین رفت.

مبانی نظری

جمعیت‌شناسی به مطالعه نظام‌مند ابعاد و ساختار جمعیت می‌پردازد. این مفهوم نخستین بار در سال ۱۸۵۵ توسط گلارد مطرح شد که از عنوان کتاب الیس با نام «آمار انسانی یا مقایسه‌ی جمعیت‌شناسی» الهام گرفته بود. واژه‌ی «جمعیت‌شناسی» ترکیبی از دو کلمه‌ی یونانی «دمو» به معنی مردم و «گرافی» به معنای توصیف یک موضوع خاص است. به بیان دیگر، جمعیت‌شناسی به بررسی اندازه، پراکندگی، ترکیب، تحولات جمعیت و همچنین عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر آن و پیامدهای ناشی از تغییرات جمعیتی می‌پردازد (خالقی و یگانه، ۱۳۹۹: ۳). این علم، مطالعه‌ای علمی، توصیفی و آماری از ساختار و تحولات جمعیت‌های انسانی است و در عین حال، سیاست‌های جمعیتی و تعامل بین پدیده‌های جمعیتی با عوامل اقتصادی، اجتماعی و زیستی را نیز تحلیل می‌کند. جمعیت‌شناسان با بررسی دقیق وضعیت گذشته و حال جمعیت و مطالعه‌ی ارتباط بین فرآیندهای جمعیتی با پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، به درک بهتری از ساختارها و روندهای جمعیتی آینده دست می‌یابند (صیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹).

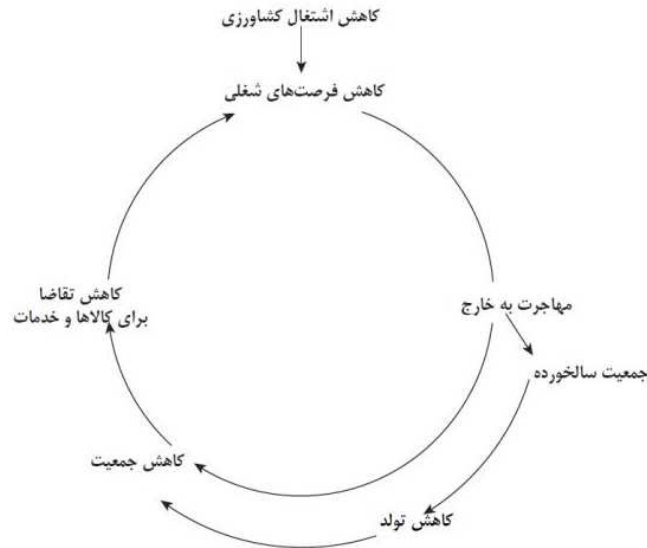
تحولات جمعیتی با تأثیر بر عرضه نیروی کار، تابع تولید کل اقتصاد را نیز دگرگون می‌کنند. علاوه بر این، این تحولات موجب تغییر در ترکیب جمعیتی شده و بر تقاضای کالاها و خدمات اثر می‌گذارند. در نتیجه، با وقوع چنین تغییراتی، تولید بخش‌های مختلف اقتصاد، سطح رفاه و میزان اشتغال دستخوش تحول می‌شوند. به‌ویژه، با رشد سهم جمعیت در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال)، انتظار می‌رود که جمعیت فعال کشور افزایش یابد و در پی آن، عرضه نیروی کار نیز گسترش پیدا کند (افقه و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۵). این امر به معنای بالارفتن نسبت تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان است که در نهایت موجب رشد تولید سرانه و بهبود رفاه می‌گردد. علاوه بر این، با افزایش عرضه نیروی کار در دوره جوانی جمعیت، سطح فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی نیز دگرگون خواهد شد، چرا که انتظار می‌رود با رشد عوامل تولید، میزان تولید در حوزه‌های گوناگون افزایش یابد. در مقابل، با کاهش سهم جمعیت در سنین ۱۵ تا ۶۵ سال، عرضه نیروی کار نیز کاهش پیدا می‌کند که این مسئله می‌تواند به کاهش تولید سرانه، افت سطح فعالیت‌های اقتصادی و کاهش تولید در بخش‌های مختلف منجر شود (Wang, Chen, & Huang, 2013).

ایران، همچون بسیاری از کشورهای دیگر، شاهد تحولات اساسی در ساختار سنی جمعیت خود است. در حال حاضر، کشور در مرحله میانی انتقال جمعیتی و تغییرات سنی قرار دارد و هم از نظر تعداد جمعیت و هم از نظر ترکیب سنی در حال تغییر و تحول است. این تغییرات و پیامدهای ناشی از آن، به‌عنوان مهم‌ترین چالش جمعیتی و توسعه‌ای ایران محسوب می‌شود (مجبی میمندی، ۱۴۰۱: ۳۱۳). رفتار اقتصادی افراد تا حد زیادی به مرحله و جایگاه آن‌ها در چرخه زندگی بستگی دارد. در جوامعی که سهم قابل توجهی از جمعیت را گروه‌های وابسته (کودکان و سالمندان) تشکیل می‌دهند، معمولاً موانعی برای رشد و توسعه

² Ayuda

اقتصادی ایجاد می‌شود، چراکه بخش عمده‌ای از منابع باید صرف تأمین نیازهای این گروه‌ها شود. در مقابل، افزایش سهم جمعیت در سن کار می‌تواند به‌عنوان یک عامل محرک رشد اقتصادی عمل کند، زیرا در این شرایط، درآمدها و پس‌اندازها افزایش می‌یابد؛ بنابراین، تغییرات در ساختار سنی جمعیت تأثیر بسزایی بر روند رشد و توسعه اقتصادی دارد (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). برای تحلیل دقیق‌تر تحولات ساختار سنی و پیامدهای اقتصادی آن، توجه به سهم و تأثیر هر گروه سنی در این تغییرات و نیز نرخ رشد آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تغییرات جمعیتی و میزان رشد در گروه‌های سنی مختلف، اثرات متفاوتی بر چارچوب‌های اجتماعی و اقتصادی بر جای می‌گذارد. مطالعه جهت‌گیری تغییرات ترکیب سنی جامعه و نقش هر گروه سنی در تحولات جمعیتی و پیامدهای اقتصادی آن، از ملزومات اساسی برنامه‌ریزی برای آینده هر کشور محسوب می‌شود (Koosheshi, 2020).

یکی از ویژگی‌های ترکیب جمعیتی که ممکن است تحت تأثیر جریان مهاجرت داخلی دگرگون شود، ساختار سنی است. راجرز (۱۹۷۵) اشاره کرده است که مهاجرت فرآیندی گزینشی و وابسته به سن است، به‌طوری‌که میزان تمایل به مهاجرت در گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است. در شرایطی که الگوی سنی مشخصی در مهاجرت وجود داشته باشد، این جریان می‌تواند ساختار سنی را هم در مناطق مهاجرپذیر و هم در مناطق مهاجر فرست تغییر دهد (تنها و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۲). مهاجرت به معنای ترک سرزمین اصلی و اقامت در منطقه‌ای دیگر به‌صورت دائم یا موقت است. در تعریفی دیگر، مهاجرت عبارت است از جابه‌جایی دائمی یا نیمه دائم افراد یا گروه‌هایی از مردم از یک محل به محل دیگر، با هدف بهبود شرایط زندگی. این پدیده به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی، در واکنش به چالش‌ها و شرایط پیچیده اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، قومی و سیاسی رخ می‌دهد (یعقوبی و احمدی، ۱۳۹۷: ۳۲) در سه دهه اخیر، ایران شاهد افزایش چشمگیر در میزان و حجم جابه‌جایی‌های مهاجرتی بوده است که نشان‌دهنده تحرک بیشتر جمعیت در سطح ملی است. این جابه‌جایی‌ها بدون شک تغییرات اساسی در الگوهای توزیع جغرافیایی و فضایی جمعیت کشور ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، استان‌های توسعه‌یافته‌تر به‌عنوان کانون‌های جذب مهاجران عمل کرده‌اند، درحالی‌که استان‌های کمتر توسعه‌یافته نقش مبدأ و محل خروج مهاجران را داشته‌اند. توانایی استان‌ها در جذب یا دفع مهاجران نیز به سازوکارهای اقتصادی و جمعیتی آن‌ها وابسته بوده است (رئیزی و انانی، ۱۳۹۷: ۸۹). مهاجرت نه تنها پیامدهای بلندمدت، بلکه تأثیرات سریع و کوتاه‌مدتی نیز بر حجم و ترکیب جمعیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد که جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی تمایل به مهاجرت دارند. در درازمدت، این روند می‌تواند به کاهش نرخ زادوولد در جامعه منجر شود. از سوی دیگر، ضعف زیرساخت‌های مناطق روستایی، ساکنان این مناطق را به سمت شهرها برای دستیابی به فرصت‌های بهتر سوق می‌دهد. پدیده مهاجرت، به‌ویژه در میان تحصیل‌کردگان، به «فرار مغزها» از روستاها تعبیر شده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد ارزش‌های سنتی جوامع روستایی با ویژگی‌های سادگی و بی‌آلایشی، در مقایسه با جذابیت‌های زندگی شهری کم‌رنگ شده و مهاجرت به‌عنوان یکی از تبعات این تغییر بروز می‌کند (موحدی و سامیان، ۱۳۹۷: ۱۶۶).

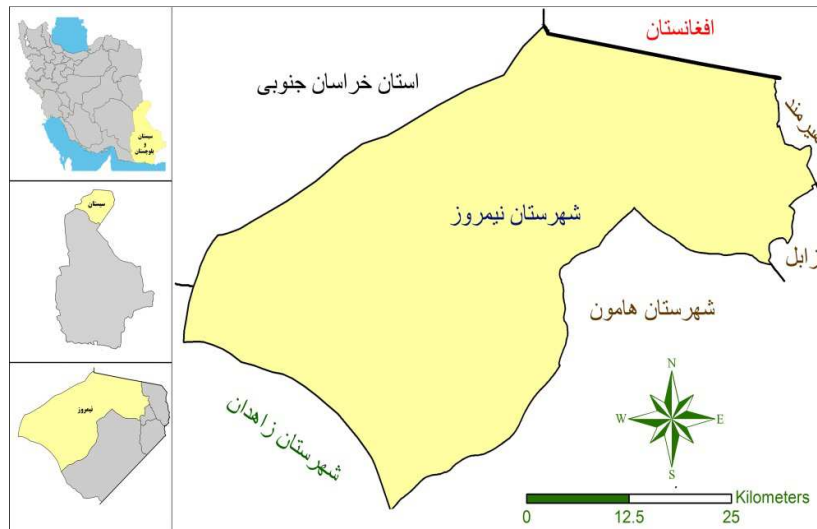


شکل ۱: چرخه افول یا انحطاط جمعیت روستایی (خالقی و یگانه، ۱۳۹۹: ۴)

مسئله جمعیت و دگرگونی‌های ساختاری آن پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که در جوامع روستایی با توجه به موقعیت آن‌ها در فرآیند گذار جمعیتی، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. این پدیده از سویی تحت تأثیر عوامل گوناگونی همچون سیاست، اقتصاد، اجتماع و امنیت قرار دارد و از سوی دیگر بر این عوامل تأثیر می‌گذارد. عواملی مانند حجم جمعیت، پراکندگی جغرافیایی، ترکیب سنی و جنسیتی، وضعیت اشتغال، سطح سواد، تنوع قومی و نژادی و همچنین تحرکات جمعیتی (از جمله تولد، باروری، مرگ‌ومیر، مهاجرت، ازدواج و طلاق) نقش بسزایی در شکل‌دهی به تغییرات ساختاری جمعیت مناطق روستایی ایفا می‌کنند.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان نیمروز یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است که در شرق ایران واقع شده و مرکز آن، شهر ادیمی می‌باشد. این شهرستان دارای سه بخش (مرکزی، صابری و سفیدآبه) و چهار دهستان ادیمی و بزلی و قائم‌آباد و سفیدآبه می‌باشد که از شمال با کشور افغانستان، از غرب و شمال غرب با استان خراسان جنوبی، از شرق با شهرستان‌های هیرمند و زابل و از جنوب با شهرستان هامون و از جنوب شرق با زاهدان همجوار می‌باشد. جمعیت این شهرستان بنا بر آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۴۸۳۲۵ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۲: موقعیت شهرستان نیمروز در ایران، استان و منطقه سیستان.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که در آن از روش اسنادی برای بررسی سوابق و تبیین مسئله و از روش پیمایشی برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز در سطح منطقه مورد مطالعه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش جمعیت خانوارهای نواحی روستایی شهرستان نیمروز از سال ۱۳۵۵ تا ۱۴۰۰ است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل تحلیل رتبه-اندازه و تعدیلی، درجه آنتروپی و ضریب کشش‌پذیری جمعیت استفاده شده است. مدل تحلیل رتبه-اندازه و تعدیلی، روشی است که در تحلیل فضایی نظام‌های شهری-روستایی برای اولین بار نظام توزیع اندازه شهرها و روستاها در اوایل قرن بیستم توسط فیلیکس اوثر باخ^۳ جغرافیدانان آلمانی پایه‌ریزی گردید. سپس به دنبال او در سال ۱۹۲۶ لوتکا^۴ و سپس در سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ ژوزف کینگ^۵ زیف به‌طور کامل فرمول‌بندی شده است. در الگوی نظری زیف اگر سکونتگاه‌های شهری-روستایی را در یک فضای ناحیه‌ای به ترتیب اندازه جمعیتی سازماندهی شوند جمعیت شهر/روستا دوم حدود ۱/۲ جمعیت شهر/روستا اول، شهر/روستا درجه سوم ۱/۳ شهر/روستا نخست و در نهایت در یک عبارت ریاضی جمعیت شهر/روستا n حدود ۱/n جمعیت شهر/روستا اول خواهد بود در فرمول فوق Q بایستی محاسبه شود اگر Q برابر ۱ باشد نشانگر توزیع متعادل و همگن شهرها و روستاها می‌باشد (طالشی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۵)؛ بنابراین رابطه ریاضی آن به شرح زیر خواهد بود:

$$P_n = P_1 \cdot (n)^{-1}$$

$$P_n = P_1 \cdot \frac{1}{n}$$

$$P_1 = P_2 \cdot 2 = P_3 = P_4 \cdot 4 \dots P_n \cdot n$$

درجه آنتروپی، برای اندازه‌گیری درجه تمرکز و پراکندگی فضایی پدیده‌های جغرافیایی و جمعیتی استفاده کرد (اسماعیلی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). با استفاده از این مدل، می‌توان به میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت و تعداد شهرها در سطح شبکه شهری، استانی، منطقه‌ای و ملی پی برد. بر اساس این مدل، اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیشتر و عدم تعادل در توزیع جمعیت شهرها دارد و بالاتر از آن توزیع متعادل‌تری را در عرصه‌ی منطقه‌ای نشان می‌دهد (Sudhira, 2003: 299-311). ضریب جمعیت‌پذیری (کشش‌پذیری)، این مدل شاخصی است که به وسیله آن می‌توان درصد جمعیت شهر/روستائینی را در مقابل جمعیت کل منطقه برآورد نمود. وقتی کشش‌پذیری از یک بالاتر می‌کند دلیل بر جذب جمعیت بیشتر در شهر یا روستا می‌باشد و کمتر از آن عکس این حالت را معنا می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس مدل رتبه اندازه و تعدیلی می‌توان ضمن حفظ رابطه مرتبه-اندازه در توزیع جمعیت روستایی یک منطقه، سهمیه-ای برای جمعیت روستایی هر شهرستان را نیز به نسبت مجموع سیستم جمعیتی آن شهرستان محاسبه کرد و بدین ترتیب الگویی آینده‌نگر برای توزیع فضایی جمعیت متعادل شده در شهرستان‌ها مورد مطالعه به دست آورد که میزان اضافه جمعیتی اولین شهرستان و کمبود یا مازاد جمعیت سایر را مشخص کند. با توجه به نتایج مدل رتبه اندازه و تعدیلی ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵ می‌توان بیان کرد که نقاط روستای شهرستان‌ها منطقه سیستم نسبت در طی دوران نسبت به دوره قبل تعادل بیشتری در این میان جمعیت شهرستان نیمروز نسبت به دوره قبل کاهش یا نزول داشته جایگاه خود را در بین ۵ شهرستان در آخرین سرشماری

³ Felix Auerbach

⁴ Lotka

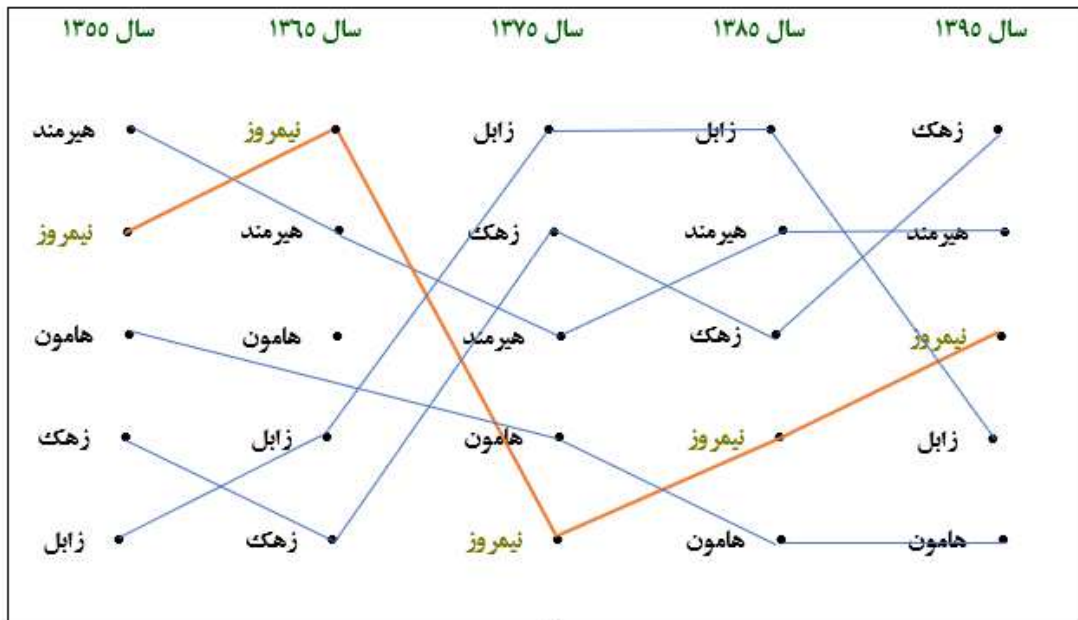
⁵ Zhuzhking Zipf

در رتبه سوم قرار داده است. با توجه به جمعیت نقاط شهری شهرستان نیمروز در بین شهرستان‌های منطقه و مدل‌های ارائه شده می‌توان بیان کرد که شهرستان نیمروز در حفظ نقاط روستایی نتوانسته است ایفای نقش کند؛ و مطابق نتایج حاصل از بررسی بیشترین تغییرات جمعیت روستایی شهرستان طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ بوده که رتبه جمعیتی روستایی از رتبه اول به پنجم تقلیل یافته است.

جدول ۱: بررسی روند تغییرات اندازه و رتبه سکونتگاه‌های روستایی نیمروز طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵

شهرستان	رتبه	جمعیت سال ۱۳۶۵	شهرستان	رتبه	جمعیت سال ۱۳۷۵
نیمروز	۱	۵۴۹۰۰	زابل	۱	۱۳۲۴۰۲
هیرمند	۲	۴۸۰۰۱	زهک	۲	۶۱۴۵۴
هامون	۳	۳۷۱۳۹	هامون	۴	۴۱۸۷۱
زابل	۴	۲۳۹۱۵	هیرمند	۳	۵۹۲۱۳
زهک	۵	۲۱۷۵۹	نیمروز	۵	۳۶۹۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳



شکل ۳: تغییرات رتبه و اندازه شهرستان‌های سیستان در ۴۰ سال اخیر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

با توجه به نتایج مدل آنتروپی، رقم آنتروپی محاسبه شده برای شهرستان‌های منطقه سیستان بدون احتساب شهرستان نیمروز در سال‌های ۹۵-۱۳۶۵ به ترتیب ۰/۵۵۵، ۰/۵۷۱، ۰/۹۲۸، ۰/۷۲۲، ۰/۷۰۲ بوده است که این رقم کمتر از عدد یک بوده است که نشانگر عدم توازن و تعادل در نقاط روستایی منطقه می‌باشد؛ که این مقدار با احتساب نیمروز به ترتیب ۰/۴۲۸، ۰/۴۲۰، ۰/۹۲۷، ۰/۵۱۵، ۰/۴۶۵ در طی پنج دور سرشماری تغییر پیدا کرده است. می‌توان نتیجه گرفت که شهرستان تأثیری در توسعه و توزیع جمعیت ناحیه نداشته است. چنان‌که این ضریب با در نظر گرفتن شهرستان نیمروز کاهش یافته و بیانگری عدم تعادل در توزیع جمعیت می‌باشد.

جدول ۲: ضریب آنتروپی شهرستان‌های سیستان با احتساب شهرستان نیمروز در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

سال ۶۵				سال ۵۵				
			جمعیت				جمعیت	شهرستان
-۰.۱۹۱	-۱.۳۵	۰.۲۵۸	۴۸۰۰۱	-۰.۱۱۲	-۱.۶۷	۰.۱۸۷	۲۵۹۹۹	هیرمند
-۰.۲۴۲	-۱.۲۲	۲.۹۶	۵۴۹۰۰	-۰.۲۹۷	-۱.۱۱	۰.۳۳۰	۴۵۷۲۴	نیمروز
-۰.۱۲۴	-۱.۶۱	۰.۲۰۰	۳۷۱۳۹	-۰.۱۵۲	-۱.۴۹	۰.۲۲۶	۳۱۳۴۰	هامون
-۰.۰۵۵	-۲.۱۴	۰.۱۱۷	۲۱۷۵۹	-۰.۰۸۵	-۱.۸۵	۰.۱۵۷	۲۱۷۵۹	زهک
-۰.۰۶۳	-۲.۰۵	۰.۱۲۹	۲۳۹۵۱	-۰.۰۴۳	-۲.۳۰	۰.۱۰۰	۱۳۸۵۸	زابل
-۰.۶۷۵		۱	۱۸۵۷۵۰	-۰.۶۸۹		۱	۱۳۸۶۸۰	Σ

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جدول ۳: ضریب آنتروپی شهرستان‌های سیستان با احتساب شهرستان نیمروز در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سال ۸۵				سال ۷۵				
			جمعیت				جمعیت	شهرستان
-۰.۱۰۷	-۱.۷۰	۰.۱۸۲	۶۶۳۵۲	-۰.۳۰۸	-۱.۷۲	۰.۱۷۸	۵۹۲۱۳	هیرمند
-۰.۰۵۳	-۲.۱۶	۰.۱۱۵	۴۱۸۷۱	-۰.۲۴۴	-۲.۱۹	۰.۱۱۱	۳۶۹۶۵	نیمروز
-۰.۰۴۴	-۲.۲۹	۰.۱۰۱	۳۶۹۶۵	-۰.۲۶۱	-۲.۰۷	۰.۱۲۶	۴۱۸۷۱	هامون
-۰.۰۸۹	-۱.۸۲	۰.۱۶۲	۵۹۲۱۳	-۰.۳۱۲	-۱.۶۹	۰.۱۸۵	۶۱۴۵۴	زهک
-۰.۰۳۵	-۰.۸۲	۰.۴۴۰	۱۶۰۴۷۶	-۰.۳۶۷	-۰.۹۲	۰.۳۹۹	۱۳۲۴۰.۲	زابل
-۰.۸۲۹		۱	۳۶۴۸۷۷	-۱.۴۹۲		۱	۳۳۱۹۰.۵	Σ

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جدول ۴: ضریب آنتروپی شهرستان‌های سیستان با احتساب شهرستان نیمروز در سال ۱۳۹۵

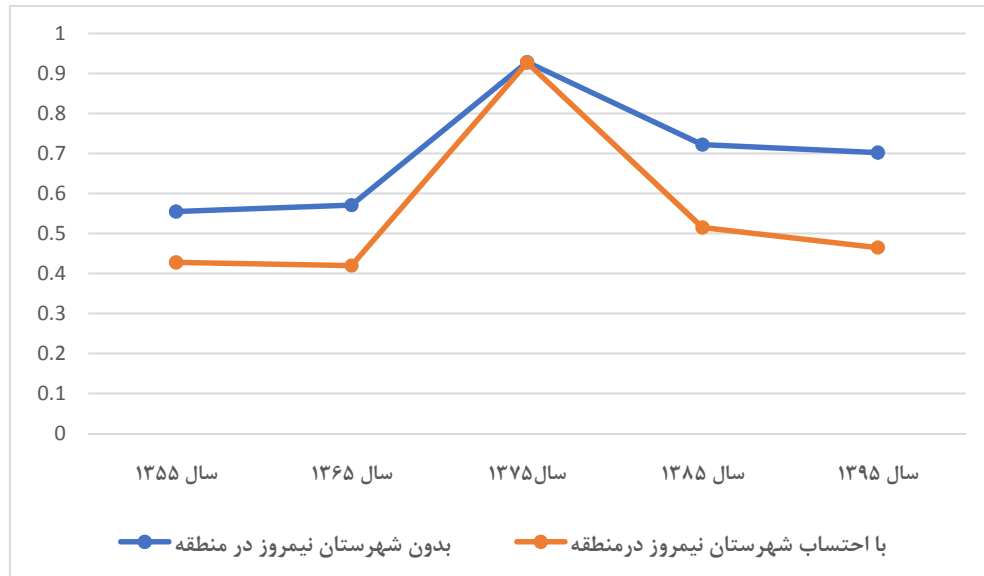
سال ۹۵				
			جمعیت	شهرستان
-۰.۲۴۲	-۱.۲۲	۰.۲۹۵	۵۷۳۵۸	هیرمند
-۰.۱۵۶	-۱.۴۷	۰.۲۳۰	۴۴۷۱۲	نیمروز
-۰.۰۰۵	-۳.۹۱	۰.۰۲۰	۳۸۹۴	هامون
-۰.۲۷۵	-۱.۱۵	۰.۳۱۷	۶۱۵۳۹	زهک
-۰.۰۷۰	-۱.۹۸	۰.۱۳۸	۲۶۹۲۴	زابل
-۰.۷۴۸		۱		Σ

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

جدول ۵: میزان آنتروپی در شهرستان نیمروز در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

سال	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۹۵
میزان آنتروپی بدون شهرستان نیمروز در منطقه	۰.۵۵۵	۰.۵۷۱	۰.۹۲۸	۰.۷۲۲	۰.۷۰۲
میزان آنتروپی با احتساب شهرستان نیمروز در منطقه	۰.۴۲۸	۰.۴۲۰	۰.۹۲۷	۰.۵۱۵	۰.۴۶۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳



شکل ۴: ضریب آتروپی جمعیت روستایی منطقه با احتساب و بدون احتساب شهرستان نیمروز

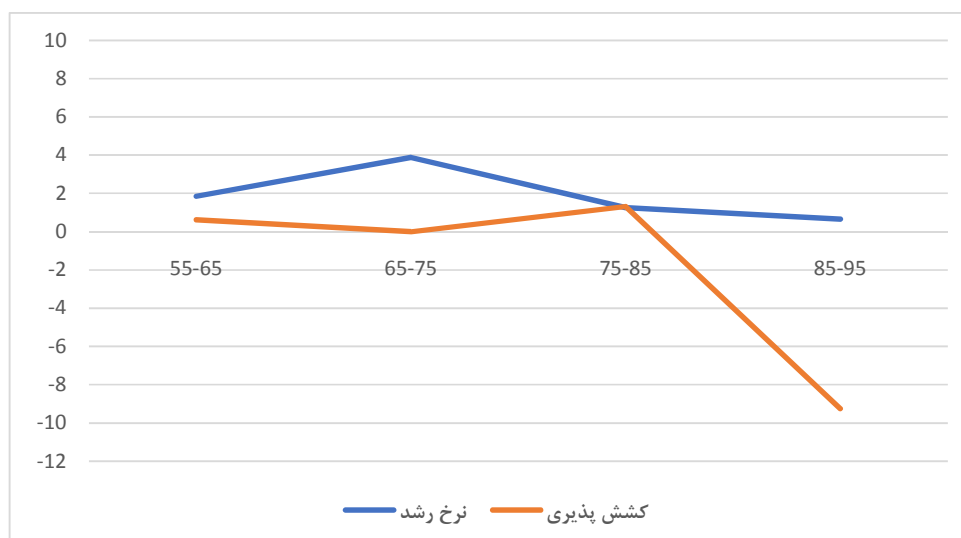
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

روند رشد جمعیت روستایی نیمروز توان و استعداد خود را در زمینه جمعیت‌پذیری بیان می‌کند. هر چند سنجش نرخ رشد جمعیت شهرستان نیمروز نمی‌تواند در تحلیل ظرفیت و کشش شهر تحلیلی ارائه نماید ولی به‌عنوان یک ابزار تحلیل بخشی از روند را تشکیل می‌دهد و می‌تواند برای روشنی ابعاد جمعیتی بحث موثر واقع شود. تحلیل ضریب جمعیت‌پذیری شهرستان نیمروز به این صورت است تا سال ۱۳۷۵ جاذبه روستانشینی شهرستان نیمروز در سطح پائینی نسبت به کل منطقه قرار داشته است و از این سال به بعد (تا سال ۱۳۸۵) ظرفیت‌ها و جاذبه‌های روستانشینی شهرستان نیمروز رشد کرده و از سال ۱۳۸۵ به بعد رشد روستانشینی کاهش یافته است که این میزان نشان از تمرکز جمعیت و گسترش فعالیت‌های خدماتی و روند شهرنشینی و مهاجرت ساکنین اطراف در این شهرستان است.

جدول ۶: بررسی جمعیت‌پذیری روستایی شهرستان نیمروز

۹۵-۸۵		۷۵-۸۵		۶۵-۷۵		۶۵-۵۵		مشخصات
کشش‌پذیری	نرخ رشد	کشش‌پذیری	نرخ رشد	کشش‌پذیری	نرخ رشد	کشش‌پذیری	نرخ رشد	
-	-۶.۱۰۱	-	۰.۹۵۲	-	۵.۹۷۶	-	۲.۹۶۵	کل روستاهای منطقه
-۹.۲۵۸	۰.۶۵۹	۱.۳۱۷	۱.۲۵۴	-۰.۶۴۹	-۳.۸۷۸	۰.۶۲۲	۱.۸۴۶	شهرستان نیمروز

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳



شکل ۵: میزان کشش پذیری شهرستان نیمروز در طی ۵ دوره سرشماری

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

مقایسه ساختار سنی جمعیت نقاط روستایی و شهرستان نیمروز در سال ۱۳۶۵-۱۳۹۵ حاکی از آن است تغییرات در گروه‌های سنی در طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ چندان دچار تغییرات کلان نبوده و سهم گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ طی دوره چهل ساله بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. تنها سهم جمعیت جوان نسبت به دوره‌ی پیش از آن با کاهش ۱ درصدی مواجه شده است. و سهم گروه سنی ۶۵ سال به بالا یک درصد افزایش یافته است.

جدول ۷: سهم گروه‌های عمده‌ی سنی در شهرستان نیمروز و نقاط روستایی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵

نقاط روستایی		نیمروز
۱۳۹۵	۱۳۶۵	
۳۷	۳۷.۵	گروه سنی ۱۴-۰ ساله
۵۸.۴	۵۹.۱	گروه سنی ۶۴-۱۵ ساله
۴.۶	۳.۴	گروه سنی ۶۵ ساله و بیش تر

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ارزیابی تغییرات جمعیتی در مناطق روستایی به مطالعه روندها و الگوهای مرتبط با جمعیت، از جمله مهاجرت، زادوولد و مرگ‌ومیر، در این جوامع می‌پردازد. این ارزیابی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه تغییرات جمعیتی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مناطق روستایی داشته باشند. فهم این تغییرات به محققان و سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که به‌طور مؤثری نیازهای ساکنان روستایی را شناسایی کرده و با طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب، به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک کنند. علاوه بر این، ارزیابی دقیق تغییرات جمعیتی می‌تواند به شناسایی دلایل مهاجرت و کاهش جمعیت در مناطق روستایی کمک کند، مسائلی که می‌تواند منجر به پیری جمعیت و کاهش نیروی کار در این مناطق شود. نتایج حاصل از اولین تحلیل، جمعیت شهرستان‌های منطقه سیستان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ و سهم جمعیتی هر یک از آن‌ها از جمعیت کل منطقه آورده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد سهم جمعیتی شهرستان نیمروز در میان سایر شهرستان‌های منطقه طی دوره‌های مختلف سرشماری قابل ملاحظه بوده است؛ اما در طی سرشماری در سرشماری سال ۸۵-۱۳۶۵ سهم شهرستان نیمروز از کل جمعیت منطقه کاهش یافته است (۱۱ درصد) بوده است. در آخرین دوره‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵

حدود ۲۳ درصد جمعیت روستایی منطقه در محدوده‌ی شهرستان نیمروز سکونت داشته‌اند و این شهرستان از این حیث همچنان در رتبه‌ی پنجم قرار دارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد در این دوره‌ی سرشماری شهرستان نیمروز سهم کمتری خود از جمعیت منطقه را در مقایسه با دوره‌های پیشین تجربه کرده است. علت آن به جدا شدن این شهرستان از شهرستان زابل در سال ۱۳۹۱ و افزایش سهم جمعیت شهری می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی سهم گروه‌های سنی نشان می‌دهد تغییرات در گروه‌های سنی در طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ چندان دچار تغییرات کلان نبوده و سهم گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ طی دوره چهل ساله بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. سهم جمعیت جوان نسبت به دوره‌ی پیش از آن با کاهش ۱ درصدی مواجه شده است. نتایج حاصل از مدل رتبه اندازه و مدل تعدیلی نشان می‌دهد شهرستان نیمروز همانند دیگر شهرستان‌های منطقه سیستم دارای کمبود جمعیت روستایی می‌باشد. در این میان جمعیت شهرستان نیمروز نسبت به دوره قبل کاهش یا نزول داشته جایگاه خود را در بین ۵ شهرستان در آخرین سرشماری در رتبه سوم قرار داده است. با توجه به جمعیت نقاط شهری شهرستان نیمروز در بین شهرستان‌های منطقه و مدل‌های ارائه شده می‌توان بیان کرد که شهرستان نیمروز در حفظ نقاط روستایی توانسته است ایفای نقش کند. همچنین با استفاده از ضریب آنتروپی نتیجه می‌گیریم که شهرستان تأثیری در توسعه و توزیع جمعیت منطقه داشته است. چنان‌که این ضریب آنتروپی با در نظر گرفتن شهرستان نیمروز کاهش یافته و بیانگر عدم تعادل در توزیع جمعیت می‌باشد. نهایتاً، الگوهای جمعیتی نشان می‌دهند که شهرستان طی سرشماری‌های اخیر دارای ضریب کشش‌پذیری پایین‌تر از یک بوده که این مسئله بیانگر توان پایین آن‌ها در جذب جمعیت است؛ یعنی اینکه نمی‌تواند در تعادل بخشی به توزیع فضایی جمعیت منطقه مؤثر باشد. با توجه به وضعیت جمعیتی و اجتماعی شهرستان نیمروز، پیشنهادها زیر برای بهبود وضعیت جمعیت مناطق روستایی این شهرستان ارائه می‌گردد:

توسعه کشاورزی پایدار: ایجاد برنامه‌ها و تسهیلات مالی برای کشاورزان به منظور افزایش تولید محلی و کاهش وابستگی به واردات. این می‌تواند شامل تأمین و آموزش در زمینه تکنیک‌های کشاورزی نوین و صحیح استفاده از منابع آبی باشد.

بهبود دسترسی به آموزش و پرورش: ارائه برنامه‌های آموزشی و تأسیس مدارس با کیفیت و دسترسی آسان در مناطق روستایی به منظور کاهش میزان ترک تحصیل و مهاجرت جوانان. همچنین، برگزاری دوره‌های آموزش شغلی و مهارتی برای جوانان و بزرگسالان می‌تواند به افزایش فرصت‌های شغلی کمک کند.

تشکیل شوراهای محلی برای مدیریت منابع: ایجاد و تقویت شوراهای محلی شامل ساکنان روستاها برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی. این شوراها می‌توانند در برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه محلی به‌ویژه در زمینه حفظ محیط‌زیست و توسعه کیفیت زندگی روستائیان مؤثر باشند.

جمع‌آوری داده‌های جامع: توصیه به پژوهشگران برای جمع‌آوری دیتاهای مربوط به جمعیت‌شناسی، اقتصاد، فرهنگ و محیط‌زیست به منظور شناسایی دقیق‌تر عوامل مؤثر بر تغییرات جمعیتی.

میدان پژوهی: انجام تحقیقات میدانی و مصاحبه با ساکنین برای درک بهتر از مشکلات و چالش‌های آن‌ها و تأثیرات مهاجرت بر زندگی روزمره

منابع

- احمدی، شیرکو؛ توکلی، مرتضی. (۱۳۹۴). تحلیل حرکات مکانی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال دهم، شماره ۳۳، صص ۵۸ - ۴۱.
- اصلانی، بیتا؛ امینی، عباس. (۱۴۰۱). تحلیل دگرگونی‌های ساختاری جمعیت روستایی در استان اصفهان از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵. جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و سوم، شماره اول، شماره پیاپی (۸۵)، صص ۶۲ - ۳۵.

- افقه، سید مرتضی؛ منصوری، سید امین، ملتفت، حسین؛ بهاروند، پرستو. (۱۴۰۱)، بررسی اثر تغییرات جمعیتی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران، اقتصاد باثبات، ۳ (۱)، ۱۸۵ - ۱۶۱.
- امینی، عباس؛ برومند، تهمنه. (۱۳۹۴). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر جمعیت‌گزیزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: پادناهی سفلی، سمیرم). جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (۵۷)، شماره اول، صص ۱۵۴ - ۱۳۷.
- بابایی، محبوب؛ بصیری توچانی، مرتضی؛ بدرق نژاد، ایوب. (۱۳۹۸). تحلیل جمعیت‌پذیری و روند تحولات اقتصادی-اجتماعی روستاهای پیراشهری در شهرستان ارومیه. توسعه فضاها و پیراشهری، سال اول، شماره ۱، ۱۵۰ - ۱۳۹.
- تنها، فاطمه؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول؛ کوششی، مجید؛ ربیعی دستجردی، حمیدرضا. (۱۴۰۰)، تحلیل فضایی تأثیر مهاجرت داخلی بر تغییر ساختار سنی جمعیت در شهرستان‌های ایران، مطالعات جمعیتی، دوره ۷، شماره ۱، ۱۵۴ - ۱۲۱.
- حداد، میثم؛ صادقی، حجت‌الله. (۱۳۹۹). تحلیل رابطه عوامل جمعیتی با وضعیت اشتغال بخش کشاورزی، مورد مطالعه: روستاهای استان اصفهان. روستا و توسعه پایدار، دوره اول، شماره سوم، پیاپی ۳، صص ۹۴ - ۸۳.
- حسینی، احمد؛ جعفری زاده، علی. (۱۴۰۲). بررسی اثرات طوفان‌های گرد و غباری حاصله از سرعت باد در مهاجرت جمعیت روستایی منطقه سیستان. مخاطرات محیط طبیعی، ۱۲ (۳۶)، ۶۱-۷۸.
- خالقی، عقیل. (۱۳۹۹). تحلیل چرخه افول و انحطاط روستایی در مناطق کوهستانی (مورد مطالعه: شهرستان ورزقان). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، سال اول، شماره ۴ (پیاپی ۴)، صص ۳۲ - ۱۷.
- خالقی، عقیل؛ یگانه، افشین. (۱۳۹۹). آینده‌نگری جمعیت روستایی با تأکید بر نقش مهاجرت (مطالعه موردی: شهرستان ورزقان). فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، دوره اول، شماره سوم، پیاپی (۳)، ۱۴ - ۱.
- خمر، غلامعلی. (۱۳۸۵). اصول و مبانی جغرافیای شهری. انتشارات قومس.
- رجایی، سیدعباس؛ منصوریان، حسین. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی تحولات جمعیتی سکونتگاهی روستایی در مناطق مرزی ایران با استفاده از واحدهای پایه فضایی. علوم و فنون مرزی، ۹ (۳۲)، ۶۳-۹۱.
- رستمعلی زاده، ولی‌الله. (۱۳۹۶). جاذبه و دافعه روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت در میان جوانان روستایی شهرستان‌های هشتگرد و اسکو. توسعه محلی (روستایی - شهری)، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۷۰ - ۱۴۵.
- رستمعلی زاده، ولی‌الله؛ قاسمی اردهائی، علی؛ رستمی، نیر. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی، مطالعه موردی: شهرستان اهر. پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، ۵۰۵ - ۵۳۴.
- رضوانی، محمدرضا؛ احمدی، فاطمه؛ طالشی، مصطفی، موسی کاظمی، سیدمهدی. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر ناپایداری جمعیت سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: استان کردستان). روستا و توسعه، ۲۴ (۳)، ۱۴۵-۱۷۱.
- ریسی واثانی، رضا. (۱۳۹۷). دورنمای ساختار جمعیتی کشور در افق (۱۴۳۰) و تأثیر آن بر حوزه‌های دفاعی امنیتی. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۶ (۲۴)، ۱۰۶ - ۶۷.
- زنگنه، یعقوب؛ پروغنی، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل رابطه بین پدیده گرد و غبار و تغییرات جمعیت روستایی در منطقه سیستان. تحقیقات جغرافیایی، ۳۶ (۲) (پیاپی ۱۴۰)، ۱۱۵-۱۲۳.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۱). تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره‌ی جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۴، شماره ۵۵، ۱۵۰ - ۹۶.
- صیدایی، سید اسکندر؛ راستی، هادی؛ آذر، ساجده. (۱۳۹۵). تحلیل میزان توسعه‌یافتگی سکونتگاه‌های روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۴، صص ۸۳ - ۶۷.
- صیدی، عدنان؛ حیدریان زاده، زهرا؛ حدادی، لیلا؛ زارعی، زینب. (۱۳۹۴). جمعیت و پیش‌بینی‌های آینده. فصلنامه بهروز، ۲۶ (۹۲)، ۴۰ - ۳۸.
- طالشی، مصطفی؛ علی اکبری، اسماعیل؛ رهنمایی، محمدتقی؛ پناهی جلودارلو، قربان. (۱۳۹۴). کاربرد مدل رتبه-اندازه در نظام شهری در استان اردبیل در دوره زمانی بیست ساله (۱۳۶۵-۸۵). فضای جغرافیایی، ۱۵ (۴۹)، ۱۵۳ - ۱۶۸.
- محبی میمندی، مهیار؛ کوششی، مجید؛ سوری، علی. (۱۴۰۱)، رشد جمعیت، تغییر ساختار سنی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران: تجزیه و تحلیل سهم گروه‌های سنی، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هفدهم، شماره ۳۴، ۳۴۶ - ۳۰۹.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۵.
- موحدی، رضا؛ سامیان، مسعود. (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان در شهرستان سردشت، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۴۲)، ۱۷۷ - ۱۶۳.

میری، سید غلامرضا؛ پودینه، سجاد؛ صادق بختیاری، مرتضی؛ سرابندی، زهرا. (۱۴۰۰). ارزیابی و تحلیل ساختار جمعیت سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان). آینده پژوهی شهری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۵.

یعقوبی، جعفر؛ احمدی، اصغر. (۱۳۹۷). فراتحلیل عوامل موثر بر تمایل جوانان روستایی به مهاجرت به شهر، رویکردهای پژوهشی کارآفرینانه در کشاورزی، ۱(۳)، ۳۱-۴۰.

Ayuda, M. I., Gómez, P., & Pinilla, V. (2023). Which rural settlements have lost the most population? An analysis of a case study of north-east Spain (Aragón)(1900–2001). *Rural History*, 1-19.

Wang, X., Chen, K., & Huang, Z. (2013). The impact of China's demographic transition on economic growth and income distribution: CGE modeling with top-down micro-simulation.

Zhu, Z., Kong, X., & Li, Y. (2020). Identifying the Static and dynamic relationships between rural population and settlements in Jiangsu Province, China. *Chinese Geographical Science*, 30, 810-823.